



سخنرانی رونالد ریگان در دانشگاه دولتی مسکو

بر اساس ویرایش دایان راویچ



THE AMERICAN READER.
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner
whatsoever without written permission except in the case of brief
quotations embodied in critical articles and reviews.
For information address HarperCollins Publishers Inc.,
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published by
arrangement with HarperCollins Publishers.



توانا آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران
<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education
<http://www.eciviced.org>

سخنرانی رونالد ریگان در دانشگاه دولتی مسکو

(Speech at Moscow State University by Ronald Reagan)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

نقاشی روی جلد: Composition in Color A اثر پیت موندریان

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

© E-Collaborative for Civic Education 2014

e-collaborative for civic education

سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. (ECCE) E-Collaborative for Civic Education یک سازمان غیرانتفاعی (501c3) در ایالات متحده آمریکا است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروندی، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیرگرایی و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا؛ آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari

فهرست مطالب

۷

مقدمه دایان راویچ

۹

سخنرانی رونالد ریگان در دانشگاه دولتی مسکو

مقدمه دایان راویچ

پیشرفت را نمی‌شود از پیش مقرر کرد. پیشرفت نیاز به آزادی دارد؛ آزادی اندیشه، آزادی گردش اخبار و اطلاعات، آزادی ارتباطات.

رونالد ریگان در ۱۹۸۰ به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد. وی که در ایالت ایلینویز به دنیا آمده بود، تا پیش از آنکه به سیاست روی آورد و به فرمانداری ایالت کالیفرنیا برگزیده شود، هنرپیشه سینما بود.

ریگان در تمام طول عمر سیاسی خود، انزجار خویش را از کمونیسم به عنوان نظامی سرکوبگر از دیدگاه سیاسی و راکد از جنبه اقتصادی، بیان داشت. روابط میان آمریکا و اتحاد شوروی پس از روی کار آمدن میخائیل گورباچف در ۱۹۸۵ رو به بهبودی گذارد. علی‌رغم خواست و اراده گورباچف، اصطلاحات دامنه‌دار وی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی نهایتاً منجر به تسریع فروپاشی کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی می‌شود.

در گیرودار این چرخش و دگرگونی تاریخی بزرگ بود که ریگان به دعوت

گورباچف برای یک سفر رسمی راهی مسکو می‌شود. در آنجا ریگان، در ۳۱ می ۱۹۸۸، خطاب به دانشجویان دانشگاه دولتی مسکو، سخنانی را ایراد می‌کند. در آنجا بود که رئیس‌جمهور آمریکا، زیر تندیس و نگاه لنین، با اشاره به گسترش انقلاب سراسری دموکراتیک، بر قدرت آزادی در عصر ارتباطات آنی تکیه می‌ورزد. آنچه در پی می‌آید، گزیده‌ای از این سخنرانی تاریخی است.

سخنرانی رونالد ریگان در دانشگاه دولتی مسکو

... در برابر نگاره‌ای دیواری از انقلاب شما ایستاده‌ام و می‌خواهم برای تان از انقلابی کاملاً متفاوت سخن بگویم، انقلابی که می‌رود تا بی‌سروصدا جهان را درنوردد، بدون خونریزی یا جنگ. تأثیرات آن صلح‌آمیز خواهند بود، اگرچه عمیقاً دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم دگرگون خواهد کرد، انقلابی که مفروضات پیشین ما را خرد کرده و به زندگی‌مان شکل و صورتی نوین خواهد داد.

به راحتی می‌توان انقلابی را که در جریان است دست کم گرفت، چرا که با بیرق و شعار و هیاهو همراه نیست. اصطلاحاً آن را انقلاب اطلاعات و ارتباطات خوانده‌اند و تراشه‌ای سیلیکونی که از سرانگشتی تجاوز نمی‌کند را می‌توان به عنوان علامت آن فرض کرد. تنها یکی از این تراشه‌ها چنان قدرت محاسبه‌ای در خود نهفته دارد که از قدرت اتاقی که لبریز از کامپیوترهای سبک قدیم باشد، بیشتر است.

در چهارچوب یک برنامه تبادل دانشجو، نمایشگاهی را ترتیب داده‌ایم که به نقاط مختلف کشور شما سفر خواهد کرد. در این سفر، نمایشگاه فوق به شما نشان

خواهد داد که چگونه فناوری اطلاعاتی سرگرم دگرگون کردن شیوه زندگی ما است و اینکه به چه شکلی این انقلاب می‌رود تا نیروی کار بازو را با روبات جایگزین کرده، پیش‌بینی هوا را در اختیار کشاورزان قرار داده، یا جغرافیای ژنتیک دی‌ان‌ای انسان را در اختیار علم پزشکی بگذارد. سامانه‌های رایانه‌ای موجود، امروزه این امکان را به ما می‌دهند تا در صنایع و بخش‌های اقتصادی مختلف، از خانه‌سازی گرفته تا خودروسازی و صنایع هوافضا، از قابلیت‌های آنها در طراحی استفاده کنیم. این سامانه‌ها حتی این امکان را به وجود آورده‌اند که خود نقطه آغاز طراحی سامانه‌های بهتر و سریع‌تری باشند. آنها می‌توانند انگلیسی را به روسی ترجمه کنند یا به ناینیان در خواندن یاری رسانند و یا به مایکل جکسون این امکان را بدهند که موسیقی یک ارکستر تمام عیار را تنها با یک سینتی‌سایزر تولید کند. امروزه، یک نفر که به یک شبکه ماهواره‌ای و فیبر نوری مجهز باشد می‌تواند، تنها با اتکاء به کامپیوتر شخصی خود و یک دستگاه تلفن، به منابعی دسترسی پیدا کند که تا همین چند سال پیش حتی در اختیار بزرگ‌ترین و مجهزترین دولت‌ها نیز نبود.

همانند یک شفیره، ما از اقتصاد انقلاب صنعتی، یعنی از اقتصادی که محدود به منابع فیزیکی زمین بود خارج می‌شویم و پا به اقتصاد و عصری می‌گذاریم که در آن هیچ‌گونه محدودیتی برای خلاقیت انسانی وجود نداشته و آزادی خلق کردن در آن، بالارزش‌ترین منابع طبیعی محسوب می‌گردد.

به آن تراشه کامپیوتری فکر کنید. ارزش افزوده آن در ماسه‌ای نیست که از آن ساخته شده است، که در آن معماری میکروسکوپی‌ای است که خلاقیت و نبوغ انسانی در آن کار نهاده است. یا به ماهواره‌هایی فکر کنید که این سخنرانی را در سراسر جهان پخش می‌کنند؛ ماهواره‌هایی که جای هزاران تن مس را که از دل معادن زمینی استخراج و به سیم مسی تبدیل می‌شد، گرفته‌اند. در اقتصاد نوین، اختراع انسانی بیش از پیش جای منابع فیزیکی زمین را می‌گیرد و آنها را به منابعی منسوخ‌شده تبدیل می‌کند. ما داریم از سد شرایط مادی حیات انسانی عبور می‌کنیم و وارد دنیایی می‌شویم که در آن، این خود انسان است که سرنوشت انسانی را رقم خواهد زد. و هنگامی که سرگرم کنکاش در آخرین دستاوردهای علم بشری هستیم، به حکمت دیرینه فرهنگ خویش نیز بازمی‌گردیم، حکمتی که در کتاب پیدایش نهفته است و بر پایه آن، در ابتدا هیچ نبود و تنها «روح خدا» بود که «روی توده‌های تاریک بخار حرکت می‌کرد» و از دل همین روح بود که خلقت با همه فراوانی مادی آن سربر آورد.

با این حال، پیشرفت از پیش تقدیر نشده است. کلید پیشرفت در آزادی است؛

آزادی اندیشه، آزادی اطلاعات، آزادی ارتباطات. عالم و دانشمند شهیری که بنیان‌گذار این دانشگاه بود، میخائل لومونوسوف^۱، این را نیک می‌دانست. همچنان که خود او نیز بیان داشته بود، «ناگفته پیداست که دستاوردهای علم شایان و سریع هستند، به ویژه آن زمان که یوغ بردگی دریده شده و جای خود را به آزادی فلسفه بدهد. ... کاوشگران عصر جدید همانا کارآفرینان هستند، مردان و زنان صاحب‌نظری که با ایمان و شهامت به پیشواز مخاطرات و آنچه تاکنون ناشناخته بوده است می‌روند. همین کارآفرینان و کارگاه‌ها و شرکت‌های تجاری و صنعتی کوچک آنها هستند که نیروی محرکه اصلی تقریباً تمامی رشد اقتصادی آمریکا را تشکیل می‌دهند. همین‌ها هستند که محرک اصلی انقلاب فناوری هستند. در واقع، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتی و تجاری در زمینه کامپیوترهای شخصی در ایالات متحده، نتیجه تلاش دو جوان دانشگاهی هم سن و سال شما بوده است که کار خود را از گاراژ پشت منزلشان آغاز کردند.

هستند کسانی که حتی در کشور من نیز به این غوغای آزمایش و تجربه که بازار آزاد باشد، تنها به چشم اتلاف نیرو و منابع نگاه می‌کنند. پس آن همه کارآفرینی که شکست می‌خورند چه؟ آری، هستند بسیاری از کارآفرینان، به ویژه در میان موفق‌ترین آنها، که در این میدان شکست می‌خورند. و اغلب چندین بار هم شکست می‌خورند. و هنگامی که راز پیروزی آنها را از ایشان جویا می‌شوید در پاسخ می‌گویند آنچه را که در این راه و در جریان تلاش‌ها و کشاکش‌های خویش آموخته‌اند، راز پیروزی ایشان بوده است. آری، راز پیروزی در شکست نهفته است و در آنچه از شکست می‌آموزیم. مانند ورزشکاری که درگیر رقابت‌های ورزشی است، مانند دانشمندی که در جستجوی حقیقت است، آزمایش و تجربه، بزرگ‌ترین آموزگار ما است.

به همین دلیل است که برنامه‌ریزان دولتی، هرچند خبره و ماهر در کار خود، از جایگزینی میلیون‌ها انسانی که هر یک به نوبه خود شبانه‌روز در راه جامعه عمل پوشاندن به امیال و آرزوهای خویش در تلاش هستند، ناکام می‌مانند...

ما آمریکایی‌ها هرگز باور خود به آزادی را پنهان نکرده‌ایم. در واقع آزادی برای ما مانند یک سرگرمی ملی است. هر چهار سال یک بار، آمریکایی‌ها یک رئیس‌جمهور جدید انتخاب می‌کنند و ۱۹۸۸ یکی از همان سال‌هاست. در مقطعی و صرف‌نظر از نامزدهای انتخاباتی احزاب سوسیالیست و لیبرتارین، ۱۳ نامزد انتخاباتی از دو حزب عمده مشغول رقابت برای تصاحب منصب من بودند.

نزدیک به ۱۰۰۰ ایستگاه تلویزیونی، ۸۵۰۰ ایستگاه رادیویی، و ۱۷۰۰ روزنامه، هر یک از آنها مستقل و متعلق به بخش خصوصی، هر یک به شدیدترین وجهی متکی و پایبند به استقلال خود از حاکمیت، در طول کارزار انتخاباتی از نامزدها گزارش تهیه کرده، آنها را در مصاحبه‌هایی که با ایشان ترتیب می‌دهند به سیخ کشیده و در برابر یکدیگر به مناظره می‌نشانند. و در پایان، این مردم هستند که رأی می‌دهند و تصمیم می‌گیرند که رئیس‌جمهور آینده ایشان چه فردی خواهد بود.

با این حال، آزادی با انتخابات آغاز نمی‌شود و با انتخابات نیز پایان نمی‌یابد. به هر شهرک آمریکایی که سری بزنید، اگر بخواهم تنها به یک نمونه بسنده کنم، کلیساهایی را خواهید دید متعلق به کیش‌های مختلف که در بسیاری از نقاط آمریکا، در کنار مساجد و کنیساها، انبوه مؤمنانی را که از ملیت‌های گوناگون به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند، کنار هم به نیایش گرد آورده‌اند.

به هر مدرسه و دبستانی که می‌خواهید سری بزنید، و دانش‌آموزانی را خواهید یافت که سرگرم یادگیری اعلامیه استقلال آمریکا هستند و اینکه خداوند ایشان به آنها حقوقی سلب‌ناشدنی اعطاء کرده است، حقوقی که در میان آنها حق حیات، حق آزادی و حق جستجوی آزادانه خوشبختی به چشم می‌خورد، حقوقی که هیچ حکومتی نمی‌تواند بر مبنای هیچ ادله‌ای ایشان را از آنها محروم دارد، و اینکه حق آزادی بیان، آزادی انجمن و آزادی دین و باور دینی ایشان در قانون اساسی آمریکا تضمین شده است.

به هر دادگاهی که می‌خواهید در آمریکا سری بزنید، و در آنجا قاضی را خواهید یافت که در بند هیچ گونه قدرت حکومتی نیست. در آنجا متهمینی را خواهید دید که هر یک از حق قضاوت از سوی یک هیأت منصفه متشکل از هموعان‌شان برخوردارند، هیأت‌هایی که اغلب از ۱۲ نفر تشکیل شده‌اند، ۱۲ نفری که از میان شهروندان عادی انتخاب شده و نهایتاً تنها کسانی هستند که با سبک‌سنگین کردن ادله و مدارک جرم به مجرمیت یا به رفع‌اتهام از متهم رأی خواهند داد. در چنین دادگاهی، متهم تا هنگامی که جرم او به اثبات نرسیده باشد، بی‌گناه تلقی می‌شود. در چنین دادگاهی، شهادت نیروی انتظامی یا هر مقام مسئول دیگری، از شهادت متهم از اعتبار قانونی بیشتری برخوردار نیست.

به هر دانشگاهی که می‌خواهید در آمریکا سری بزنید، و در آنجا دانشجویانی را خواهید یافت درگیر بحث و جدال‌های داغی در رابطه با مسائلی که این کشور با آنها روبروست و اینکه چگونه می‌توان بر این مشکلات فائق شد. تلویزیون را روشن کنید،

مجلس قانون‌گذاری را خواهید دید که در برابر دوربین‌های تلویزیونی سرگرم بحث و چانه‌زنی در ارتباط با مسائل حکومتی بوده و لوایحی را به تبادل نظر و رأی‌گیری می‌گذارد که روزی شاید به قانون این سرزمین تبدیل خواهند شد. در هر تظاهراتی که می‌خواهید شرکت کنید، و زیاد هستند راهپیمایی و تظاهراتی از این دست، و خواهید دید که حق مردم در گردهمایی از سوی قانون اساسی تضمین شده و نیروی انتظامی موظف است تا از امنیت مردم و راهپیمایان پاسداری کند. به هر شکل صنفی که می‌خواهید سری بزنید و خواهید دید که اعضای آن اتحادیه از تضمین قانونی حق اعتصاب خویش آگاه هستند...

با این حال، آزادی بیش از اینهاست: آزادی یعنی حق پرسیدن و حق تغییر دادن شیوه‌های جاری انجام دادن هر کاری. آزادی، انقلاب مداوم بازار است (the continuing revolution of the marketplace). آزادی آن شناختی است که به ما این امکان را می‌دهد تا کمبودها را شناسایی کرده و در پی چاره آنها باشیم. آزادی حق ارائه دادن عقیده‌ای است، عقیده‌ای که با نیشخند کارشناسان روبرو شده و در برابر چشمان مردم در آتش نقد آنها خواهد سوخت. آزادی حق دنبال کردن رویای شماست، حق پایبند ماندن به وجدان‌تان، حتی اگر در دریایی از مردم مردد تنها باشید. آزادی یعنی به رسمیت شناختن این واقعیت که حقیقت در انحصار هیچ فردی و هیچ نهادی و هیچ اتوریته یا حکومتی نیست، و اینکه هر حیات فردی بی‌اندازه با ارزش است، اینکه هر یک از ما به دلیل خاصی به این دنیا آمده است و چیزی برای عرضه کردن دارد...

مردم سالاری، بیش از آن که یک نظام حکومتی باشد، نظامی است برای محدود کردن حکومت و پیشگیری از مداخله‌جویی حکومت؛ نظامی برای مقرر داشتن محدودیت‌هایی برای حکومت و سیاست تا برای آنچه واقعا در زندگی حائز اهمیت است جا باز شود؛ یعنی برای خانواده و برای ایمان به عنوان منابع حقیقی ارزش.

ولی امیدوارم که شما درک کرده باشید که من این مسائل را تنها برای ستودن فضایل کشورم در اینجا بیان نمی‌کنم، که مقصود من از بیان این موضوعات ارج نهادن به بزرگی حقیقی دل و روح سرزمین شماست. به راستی چه نیازی است که کسی برای میراث‌داران سرزمین داستایفسکی درباره جستجوی حق و حقیقت خطبه‌خوانی کند، برای وارثان کاندینسکی^۱ و اسکریباین^۲ درباره خلاقیت سخنوری کند، برای فرهنگ

1. Vassily Vassilyevich Kandinsky (1866 – 1944)

2. Alexander Nikolayevich Scriabin (1871 – 1915)

اصیل و غنی اُزبک درباره ادبیات داد سخن دهد، برای علی شیر نوایی^۱ و نوادگان او درباره زیبایی و دل موعظه کند؟

فرهنگ بزرگ سرزمین متکثر شما با شوری آتشین با بشریت سخن می گوید. بگذارید قطعه‌ای معاصر را در اینجا برای شما بخوانم که به شیواترین شیوه‌ای از آزادی انسانی سخن گفته است. این سخنان نه از ادبیات آمریکا که از دل فرهنگ این سرزمین و از زبان یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان قرن بیستم می‌آید، از زبان بوریس پاسترناک^۲، نویسنده رمان دکتر ژواگو. پاسترناک در این فراز از نوشته‌های خود، چنین می گوید: «به نظر من اگر حیوانی را که نهاد و در بُن آدمی خفته است می‌شد به ضرب تهدید آرام کرد - هر تهدیدی که باشد، چه زندان و چه پاداش پس از مرگ - در این صورت این رام‌کننده شیر سیرک با تازیانه‌اش می‌بود که به بالاترین نشان بشریت نائل می‌آمد، و نه آن پیامبری که خویش را قربانی کرد. و نکته هم در همینجاست؛ آنچه در طی قرون انسان را به برتر از حیوان ارتقاء داده است، چماق نبوده است، موسیقی و نوایی بوده است درونگرا؛ آن قدرت مقاومت‌ناپذیر حقیقت غیر مسلح.»

آن قدرت مقاومت‌ناپذیر حقیقت غیر مسلح. امروز نگاه دنیا به اتحاد جماهیر شوروی است، نگاهی امیدوارانه به نشانه‌های دگرگونی، به قدم‌هایی که در راه آزادی بیشتر در اتحاد شوروی برداشته خواهد شد...

نسل شما هم عصر یکی از هیجان‌انگیزترین و پرامیدترین اعصار تاریخ اتحاد شوروی است. زمانه شما زمانه‌ای است که در آن، کوچک‌ترین دم آزادی هوا را برانگیخته و دل را به ضرب امید به تپش خواهد انداخت، زمانه‌ای که انرژی‌های روحی انبارشده در آن، پس از یک سکوت طولانی، برای آن لحظه که بال به آزادی بگشایند، پرپر می‌زنند.

فراز پایانی مشهور نفوس مرده گوگول به یاد می‌آید. با مقایسه کشور خود با درشکه‌ای سه‌اسبه، گوگول از خود می‌پرسد که مقصد آن کجا خواهد بود و سپس می‌نویسد: «پاسخی نبود مگر آن بانگ شگفت‌انگیز که از ناقوس برآمد.»

اینکه سرانجام و دستاورد این سفر چه خواهد بود را نمی‌دانیم، ولی امیدواریم که وعده اصلاحات، جامه عمل به خود بگیرد. در این بهار مسکو، در این ماه می ۱۹۸۸،

۱. علی شیر نوایی ملقب به نظام‌الدین، شاعر و دانشمند و وزیر دربار گورکانی، در ۸۴۴ قمری در هرات چشم به جهان گشود و در ۹۰۶ چشم از جهان فرو بست.

2. Boris Leonidovich Pasternak (1890 - 1960)

به خود اجازه می‌دهیم تا این امید را در دل پیروانیم که آزادی، مانند آن نهال تازه‌ای که بر مزار تولستوی کاشته شد، روزی نهایتاً در خاک حاصل‌خیز مردم و فرهنگ شما جوانه زده و رشد کند. به خود اجازه می‌دهیم تا این امید را در دل پیروانیم که آن بانگ شگفت‌انگیز که نوید از گشایشی نو می‌دهد، هرچه رساتر شده و به دنیایی نوین و آکنده از آشتی، دوستی و صلح منتهی شود...

